



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

رسول حسین و افضل الله

سگانداری اسلام پس از
رسول اکرم (ص)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سكانداری اسلام پس از رسول اکرم (ص)

نویسنده:

السید محمد حسین فضل الله

ناشر چاپی:

الفکر و الثقافه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	سکنداری اسلام پس از رسول اکرم (ص)
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۸	تحلیل و نقادی تاریخ
۹	بحث در خلافت
۱۰	پاورقی
۱۱	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

سکنداری اسلام پس از رسول اکرم (ص)

مشخصات کتاب

نویسنده: محمدحسین فضل‌الله ناشر: سایت شیعه سرچ. نشریه «الفکر و الثقافه»

اشاره

علامه سید محمدحسین فضل‌الله روحانی برجسته لبنانی که در ایران بیشتر به عنوان یک چهره سیاسی شناخته شده است، هر هفته جلسه سخنرانی و گفت و گو در دمشق برگزار می‌کند و به پرسشهای اعتقادی، فقهی، تربیتی، و سایر موضوعات مبتلا به مسلمانان پاسخ می‌گوید. آنچه که در ذیل آمده است برگردان یکی از سخنرانیهای علامه فضل‌الله است که به مناسبت روز غدیر ایراد شده است. این سخنرانی از نشریه «الفکر و الثقافه» انتخاب شده است. روز غدیر سرفصل نوینی در حیات اسلام است. در این روز، رهبری جهان اسلام بعد از رحلت پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌وآله، مشخص شد. رهبری که ادامه دهنده راه و روش رسول خدا، صلی‌الله‌علیه‌وآله، است و مسلمانان را از موانع دست و پاگیر داخلی و خطرات خارجی نجات می‌دهد. بدیهی است امکان هدایت اسلام بعد از رحلت پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌وآله، باید توسط فردی به دست گرفته شود که با تمام وجود اسلام را درک کرده و بتواند با اقدامات دینی و قانونی خود، دیدگاه یکسانی از اسلام ارائه کند. این کار از تشتت فکری مسلمانان جلوگیری می‌کند. بنابراین رهبری جهان اسلام پس از پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌وآله، باید توسط کسی به عهده گرفته شود که آشنایی کامل و بدون خطا از اسلام داشته باشد. در اینجا باید به این نکته اشاره کرد زندگی پیامبر اسلام، صلی‌الله‌علیه‌وآله، سراسر، مملو از جنگها و بحرانهای داخلی بود. در این مدت، بیشتر مفاهیم اسلامی بخوبی روشن نشده و احکامی که باید مسلمانان آنها را انجام دهند، بر زمین مانده بود. البته ما منکر اخلاص اصحاب پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌وآله، نیستیم. آنان در برابر سختیهای بسیار در مکه ایستادگی کردند، و بشدت با آتش افروزان و جنگ طلبها به مقابله برخاستند. لذا ملاحظه می‌کنیم که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: محمد رسول‌الله و الذین معه أشدء علی الکفار و رحماء بینهم تراهم رگعا سجدا یتغون فضلاً من الله و رضوانا سیماهم فی وجوههم من أثر السجود. [۱]. به هر حال پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌وآله، (در زمان حیات خود) فرصت نیافت تا فرهنگ و معنویت اسلامی را به طور عمیق در وجود تک تک مسلمانان نهادینه کند. لذا رهبری مسلمانان پس از پیامبر، باید توسط فردی صورت گیرد که بتواند اسلام را گسترش دهد و آن را در وجود فرد مسلمین نهادینه کند. از این رو است که مسأله غدیر یکی از اساسی‌ترین مسائل حیاتی اسلام است. بخصوص اینکه، بیشتر روایان احادیث درباره آیه شریفه: یا ایها الرسول بلغ ما أنزل الیک من ربک و إن لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس. [۲]. گفته‌اند: «این آیه شریفه هنگامی نازل شد که پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌وآله، (در آخرین حج خود) به محلی به نام غدیر خم رسیده بود.» بعضی مفسران نیز گفته‌اند: «شأن نزول این آیه برای معرفی کردن حضرت علی، علیه‌السلام، به عنوان جانشین پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌وآله، نیست، بلکه برای بیان مطلب دیگری نازل شده است. این مفسران تاکنون نتوانسته‌اند بین ماهیت آیه شریفه فوق و آنچه که به آن معتقدند، توازنی برقرار سازند. زیرا آیه مذکور در اوائل بعثت حضرت ختمی مرتبت نازل نشده تا اینکه گفته شود پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌وآله، امر به انذار و تبلیغ شده است. رسول خدا، صلی‌الله‌علیه‌وآله، در آن زمان هر حکم و مسأله‌ای که به او وحی می‌شد، بدون هیچ ترس و واهمه‌ای به مردم اطلاع می‌داد و در این کار راسخ و استوار بود. «قل الحق من ربکم فمن شاء فلیؤمن و من شاء فلیکفر» [۳]. پیامبر در ابلاغ رسالتش، ملاحظه هیچ عکس‌العملی را نمی‌کرد. برای اینکه آن حضرت در حال بنیانگذاری اندیشه، معنویت و راه روشن الهی در میان مردم بود. لذا عکس‌العملهای منفی برایش قابل پیش‌بینی بود. به هر حال، رسول خدا، صلی‌الله‌علیه‌وآله، از برخوردهای منفی ناراحت می‌شد. ولی این ناراحتیها به خاطر خودش نبود. بلکه به خاطر مردم بود.

چرا که آنان در قلب آن حضرت جای داشتند. در اینجا روشن می‌شود که آیه شریفه ذیل بر مطلب مهم دیگری تأکید دارد. «و إن لم تفعل فما بلّغت رسالته و الله يعصمك من الناس» این مطلب، چیزی جز ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی، علیه‌السلام، نیست. البته در این مسأله بسیار جدل شده است. وقتی که پیامبر با این گفتار ابلاغ رسالت کرد: «آیا من از مؤمنین بر خودشان سزاوارتر نیستم؟ گفتند: بلی. فرمود: هر کس که من مولای او هستم (از این) پس علی مولای اوست.» [۴] سپس این آیه نازل شد «الیوم أكملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الإسلام دینا» [۵] تا این روز، شکاف رهبری پس از پیامبر در اسلام وجود داشت. وقتی که این شکاف از بین رفت، ساختار دین تکمیل شد. خداوند راضی شد که اسلام آئین تمام جهانیان باشد. در اینجا ممکن است این سؤال مطرح شود، چطور می‌توان رویگردانی برخی اصحاب را از ولایت علی، علیه‌السلام، تفسیر کرد؟ چگونه می‌توانیم این مطلب را توجیه کنیم، وقتی که رسول اکرم، صلی‌الله‌علیه‌وآله، به ملکوت اعلا- رحلت فرمود، انصار به مهاجرین گفتند: «از ما امیری و از شما هم امیری.»؟ [۶] چرا برخی از اصحاب پیامبر در بیعت کردن با خلیفه اول هیچ‌گونه مشورتی با دیگر مسلمانان (ساکن در اقصی نقاط حکومت اسلامی) نکردند و بدون هیچ ترس و واهمه‌ای و باری به هر جهت با ابوبکر بیعت کردند؟ چطور در آنجا (سقیفه بنی ساعده) هیچ کس با این کار مخالفت نکرد و نگفت که پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌وآله، فرموده هر کس که من مولای اویم از این پس علی مولای اوست؟ مرحوم سید شریف‌الدین، این موضوع را چنین توجیه کرده است: ذهنیت مسلمانان آن عصر به جز برخی از آنان عمیق و ژرف‌اندیش نبود، لذا وقتی که بیعت می‌کردند به آن وفادار بودند. به هر حال از آنجایی که رسول اکرم، صلی‌الله‌علیه‌وآله، بصراحت و روشنی سخن می‌گفت شاید آنان منظور پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌وآله، از «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» بخوبی فهمیده بودند. اما آنچه که اتفاق افتاد برخلاف اراده پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌وآله، بود. بنابراین ملاحظه می‌کنیم پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌وآله، از این ذهنیت توده مردم (کوتاه‌بینی آنان) اندوهناک بود. لذا فرمود برای من قلم و کتف (کاغذ) بیاورید تا برای شما چیزی بنویسم که بعد از من هرگز گمراه نشوید. پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌وآله، مانند سایر افراد نبود که هنگام احتضار به هدیان‌گویی مبتلا شود. بلکه آن حضرت، در بالاترین درجه عقل و اراده و هوشیاری قرار داشت. قبل از این ماجرا، هیچ یک از اصحاب پیامبر خبر از هدیان‌گویی آن حضرت در حالت بیماری نداده است. اصولاً پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌وآله، با تمام وجودش با اصحابش زندگی و با آنان گفت و گو می‌کرد. لذا وقتی که می‌فرماید: «برای من قلم و کتفی (کاغذ) بیاورید تا برای شما چیزی بنویسم که بعد از من هرگز گمراه نشوید» منظور آن حضرت این نبود مطلبی بنویسد که جانشین قرآن شود. چرا که قرآن نوری است که با گوشت و پوست و خون آن حضرت آمیخته شده است. بنابراین مسأله در اینجا چیز دیگری است که بسیار مورد توجه و اهتمام رسول خداست. به طوری که وی را ناگزیر کرد، در این مورد تأکید فرماید تا در آینده کسی با کلمات آن حضرت بازی نکند. حال این سؤال مطرح می‌شود، چرا خلیفه دوم گفت: «کتاب خدا برای ما کافی است»؟ آیا پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌وآله، می‌خواست بگوید کتاب خدا ناقص است؟ معنای «حسبنا کتاب‌الله چیست؟ در حالی که خداوند می‌فرماید: ما آتاکم الرسول فخذوه و مانهاکم عنه فانتهوا.» [۷]. در اینجا باید به این نکته اشاره کرد که سنت رسول اکرم، صلی‌الله‌علیه‌وآله، شارح و مکمل کتاب خداست. پس چرا خلیفه دوم گفت: «حسبنا کتاب‌الله؟ بعد هم، مدعی هدیان گفتن پیامبر شد؟ در صورتی که رسول خدا، صلی‌الله‌علیه‌وآله، در سراسر زندگی پربرکت شان حتی در حالت بیماری، هیچ‌گاه هدیان نگفته است. با توجه به اینکه نبوت در سراسر زندگی رسول خدا، صلی‌الله‌علیه‌وآله، تداوم دارد، لذا امکان ندارد که پیامبر اسلام در حالت هدیان‌گویی مسلمانان را مورد خطاب خود قرار دهد و آنان را به انجام کاری فرمان دهد که به ادامه رسالتش مربوط باشد. مضافاً اینکه تمام مسلمانان معتقدند پیامبر، عظیم‌الشأن اسلام مصون از هرگونه خطا و اشتباه است. حقیقت این است که به پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌وآله، اجازه ندادند که مسأله خلافت را به طور کامل روشن سازد و با نوشتار خود بر جانشینی حضرت علی، علیه‌السلام، مهر تأیید بزند. البته رسول اکرم مسأله ولایت و جانشینی حضرت علی، علیه‌السلام، را به مناسبت‌های مختلف بیان فرموده بودند. به هر حال وقتی که چند نفری برای

آن حضرت قلم و کتف (کاغذ) آوردند، در این موقع اختلاف به وجود آمد (آن گروهی که با خلیفه دوم همگام بودند) اجازه ندادند که پیامبر با نوشتار خود، علی، علیه‌السلام، را به عنوان جانشین خویش معرفی فرماید. از طرف دیگر ملاحظه می‌کنیم پیامبر اسلام قبلاً به بزرگان و اصحاب خود دستور داده بود که با لشکر «اسامه» به سمت روم حرکت کنند. اما آنان با دستور پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌وآله، مخالفت کردند و با لشکریان اسامه همراه نشدند. سؤال دیگر این است که معنی سخن (خلیفه دوم که گفت) «پیامبر نمرده است» چیست؟ در جواب می‌توان گفت: معنای این سخن چیزی جز این نیست که افرادی که در آن مجلس حضور نداشتند (با اطلاع یافتن از آن حادثه ناگوار فرصت یابند) تا در آن مجلس شرکت کنند و مسأله خلافت را آن طوری که (مخالفتان خلافت حضرت علی، علیه‌السلام، می‌خواهند) به سرانجام برسانند.

تحلیل و نقادی تاریخ

وقتی که می‌خواهیم قرائت نوینی از تاریخ اسلام داشته باشیم، باید از مسئله غدیر تحلیل منتقدانه به عمل آوریم. البته بدون اینکه به قداست شخصیت‌های تاریخی آن لطمه‌ای وارد کنیم. بعضی‌ها درباره خطبه شقشقیه حضرت علی، علیه‌السلام، که سید رضی، رحمه‌الله‌علیه، در نهج‌البلاغه آورده است سؤالاتی را مطرح کرده‌اند. در پاسخ به این گروه می‌توان گفت: روش حضرت علی، علیه‌السلام، در ایراد خطبه با روش سید رضی، رحمه‌الله‌علیه، فرق می‌کند. مضافاً به اینکه خطبه مذکور را راویان متعددی در صدها سال پیش از سید رضی، رحمه‌الله‌علیه، نقل کرده‌اند. حضرت علی، علیه‌السلام، در این خطبه درباره حقیقت می‌فرماید: جایگاه من برای خلافت از جهت کمالات علمی و عملی، مانند قطب وسط آسیا است. علوم و معارف از سرچشمه من، مانند سیل سرازیر می‌شود، هیچ پرواز کننده در فضای علم و دانش به اوج من نمی‌رسد. [۸]. تا جایی که می‌فرماید: جای بسی شگفتی است که او در زمان حیاتش فسخ بیعت مردم را درخواست می‌نمود ولی چند روز از عمرش مانده خلافت را برای دیگری وصیت کرد. این دو نفر غارتگر، خلافت را مانند دو پستان شتر میان خود قسمت کردند. [۹]. یعنی هر کدام از این دو نفر، سینه‌ای را گرفته بودند تا شیری از آن بخورند. منظور حضرت علی، علیه‌السلام، از این مثال آن است که آنان برای به دست گرفتن خلافت، با یکدیگر همدستان شده و تلاش می‌کردند هر فریاد حق طلبی را سرکوب کنند. جو سیاسی نیز به همین سمت و سو سوق پیدا کرده بود. در آن زمان حضرت علی، علیه‌السلام، از هر کس آگاه‌تر بود که جامعه اسلامی آن روز به او اجازه نمی‌داد که برای احقاق حقیقت دست به شمشیر برد. چرا که این کار باعث ایجاد شکاف در صفوف مسلمانان می‌شد. لذا حضرت علی، علیه‌السلام، فرمود: صبر کردم در حالی که در چشمانم خاشاک و غبار و در گلویم استخوان گرفته بود. [۱۰]. وقتی که ابوسفیان همراه عباس برای بیعت کردن با آن حضرت آمدند، حضرت علی، علیه‌السلام، با آنان بیعت نکرد و ایشان را نسبت به فتنه‌هایی که از این مسأله برپا خواهد شد، آگاه ساخت. مضافاً به اینکه شرایط زمان و مکان اجازه چنین کاری را به آن حضرت نمی‌داد. چرا که انجام رسالت الهی، شرایط خاصی دارد که در جهان خارج باید محقق شود تا انسان بتواند از عهده مأموریت الهی که بر دوش او نهاده شده است سربلند بیرون بیاید. بنابراین اگر در جهان خارج موانع زیادی در راه انجام رسالت الهی وجود داشته باشد ممکن است این مأموریت الهی با شکست مواجه شود و فقط اسمی از آن رسالت الهی باقی بماند. لذا صاحب این رسالت پس از پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌وآله، برای باقی ماندن دین رسول خدا ناگزیر شد که خود را فدا کند. بنابراین حضرت علی، علیه‌السلام، با آن همه علم و دانش و برخوردار از عقلی روشن و روحی باز به خاطر حفظ اسلام از خواسته بر حق خود دست کشید و دیگران بر مسند خلافت تکیه زدند که نه علم او را داشتند و نه آگاهی و مهارت او را. خلافت بعد از رحلت پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌وآله، توسط انصار براساس نظام عشیره‌ای مطرح شد (از ما امیری و از شما نیز امیری) این مسأله مربوط به معیارهای انتخاب رهبری جامعه و در چارچوب خطوط عرفی اسلامی نیز نبوده است.

بحث در خلافت

تحقیقاتی که درباره این موضوع (خلافت) انجام داده‌ام نشان می‌دهد که مردم آن روز طرح فرهنگی و روشمند اسلامی نداشتند. مسأله در نظر آنان این بود که پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌وآله، از دنیا رفته و ما باید برای رهبری جامعه فردی را تعیین کنیم حال هر طوری که بود، باید گفت: مسأله این نیست که راه و روشی به فردی تحمیل شده باشد. موضوع این است که فرد راه و روشی تحمیل کند. به همین خاطر است امام علی، علیه‌السلام، می‌فرماید: عمر راه خود را پیمود (و پیش از تهی کردن جامه) امر خلافت را در جماعتی قرار داد که مرا یکی از آنها گمان نمود. پس بارخدا یا از توییاری می‌طلبم برای شورایی که تشکیل شد و مشورتی که نمودند چگونه مردم مرا با (ابوبکر و عمر) مساوی دانسته و درباره من شک و تردید نمودند تا جایی که با این اشخاص (پنج نفر اهل شورا که عمر برای تعیین خلافت پس از خود تشکیل داده بود) هم‌ردیف شده‌ام. [۱۱]. حال، چه معیاری برای جداسازی این افراد از یکدیگر وجود دارد؟ آنان چه علم و آگاهی دارند؟ فرهنگشان چیست؟ جهادشان چه می‌باشد؟ چه نزدیکی روحی و فکری با رسول خدا دارند؟ هنگامی که این مسأله را از دیدگاه علمی بررسی می‌کنیم، درستی گفتار امام صادق، علیه‌السلام، را درمی‌یابیم که فرمود: «علی، علیه‌السلام، فرمود: من کجا و آنان کجا؟!» آن زمانی که پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌وآله، حضرت علی را برای جانشینی خود آماده می‌کرد و مسائلی به آن حضرت می‌آموخت که هیچ کس نسبت به آنها آگاهی نداشت، مردم در همان زمان شنیده بودند که پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌وآله، درباره حضرت علی، علیه‌السلام، فرمود: «من شهر علم هستم و علی دروازه آن» [۱۲] و «علی با حق است و حق با علی» [۱۳] و «هر کس من مولای اویم پس این علی مولای اوست» و «یا علی! تو برای من به منزله هارون برای موسی هستی جز اینکه بعد از من هیچ پیامبری نخواهد بود» [۱۴] خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا». [۱۵]. و نیز می‌فرماید: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ». [۱۶]. همچنین می‌فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاءِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَئُوفٌ بِالْعِبَادِ». [۱۷]. بنابراین علی، علیه‌السلام، برای خودش ناراحت نمی‌شد بلکه اندوه او برای اسلام بود. آن حضرت در آخر خطبه ششش می‌فرماید: پس مردی از آنها از حسد و کینه‌ای که داشت، دست از حق شسته به راه باطل قدم نهاد (مراد سعد بن ابی وقاص، که پس از قتل عثمان هم با آن حضرت بیعت نمود) مرد دیگری به دلیل دامادی و خویشی خود با عثمان از من اعراض کرد (مراد عبدالرحمان بن عوف است که شوهر خواهر مادری عثمان بود) و همچنین دو نفر دیگر (طلحه و زبیر که از رذالت و پستی) موهن و زشت است نام ایشان برده شود. [۱۸] وقتی که حضرت امیرالمؤمنین به خلافت رسید مین‌های دسیسه و توطئه بر سر راه آن حضرت کاشته شده بود. حضرت علی، علیه‌السلام، در این زمینه می‌فرماید: چون بیعت شان را قبول و به امر خلافت مشغول گشتم، جمعی (طلحه و زبیر و دیگران) بیعت مرا شکستند و گروهی از زیر بار بیعت خارج شدند. بعضی (معاویه و دیگر کسان) از اطاعت خدای بیرون رفتند. گویا مخالفان نشنیده‌اند که خداوند می‌فرماید: «تَلِكُ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ». [۱۹] سوگند به خدا آنان این آیه را شنیده و حفظ کرده‌اند لیکن دنیا در چشمهای ایشان آراسته و زینت آن، آنان را فریفته است. [۲۰] پس امام بر موضع قبلی خود تأکید کرد و فرمود: سوگند به خدایی که میان دانه را شکافت و انسان را خلق نمود، اگر حاضر نمی‌شدند آن جمعیت بسیار (برای بیعت با من) و یاری نمی‌دادند که حجت تمام شود و نبود عهدی که خداوند از علما و دانایان گرفته تا راضی نشوند بر سیری ظالم (از ظلم) و گرسنه ماندن مظلوم (از راه ستم)، هر آینه ریسمان و مهار شتر خلافت را بر کوهان آن می‌انداختم و آب می‌دادم آخر خلافت را به کاسه اول آن (چنانکه پیش از این بر این کار اقدام ننمودم، اکنون هم کنار می‌رفتم و امر خلافت را رها کرده مردم را به ضلالت وامی‌گذاشتم. زیرا که فهمیده‌اید این دنیای شما نزد من خوارتر از عطسه بز ماده است. [۲۱]. حال این سؤال مطرح می‌شود از کجا ما الگو بگیریم؟ در جواب می‌توان گفت: در بین کسانی که بر مسند خلافت تکیه

زده‌اند. فقط حضرت علی، علیه‌السلام، است که طی قرون متمادی ثروت فرهنگی بزرگی را برای ما به ارث گذاشته، به طوری که موجب گسترش اسلام شده است. لذا شیعه علی بودن یعنی پیروی کردن از آن حضرت، متعهد بودن به وحدت امت اسلامی، به طوری که اگر خطری جهان اسلام را تهدید کرد باید آماده دفاع از آن باشیم. حضرت علی، علیه‌السلام، قلبش سرشار از دوستی به مردم بود. حتی با آنانی که اختلاف داشت (نه افرادی که دشمن خدا و رسولش بودند) به هر حال مصیبتی که به حضرت علی، علیه‌السلام، وارد شد تاکنون به هیچ کس دیگری وارد نشده است. دوستان! ما باید تحقیقی واقعگرا درباره زندگی حضرت علی، علیه‌السلام، به عمل بیاوریم و ملاحظه کنیم که سعه صدر آن امام در برخورد با مشکلات چگونه بود؟ توانایی صبرش چطور بود؟ چگونه مسئولیت خطیر اسلام را به دوش می‌کشید؟ چطور مسئولیت مسلمانان در عقل و روحش نفوذ کرده بود؟ آیا تنها جشن گرفتن روز غدیر کافی است؟ من نمی‌خواهم کسی را مجبور سازم که روز غدیر آن طوری که سزاوار است جشن نگیرد. چرا که غدیر یک سرمایه فرهنگی و معنوی است و لذا علما و اندیشمندان، فرهنگیان و ادبا به خاطر این چنین روزی باید تحقیقاتشان را در راستای آنچه که علی، علیه‌السلام، به جای گذارده انجام دهند تا آن حضرت در مسائل عقیدتی، اسلامی، سیاسی و اجتماعی میان مسلمانان جایگاه حقیقی خود را بازابد. این گونه تحقیقات موجب می‌شود تا شخصیت علی، علیه‌السلام، در اندیشه، قلب و زندگی ما نفوذ پیدا کند. در این صورت است که علی، علیه‌السلام، همواره در نزد ما همانند نبض جامعه عمل خواهد کرد. فکر و اندیشه علی است که مرزهای زمان را درمی‌نوردد. دوستان! گرایش ما به حضرت علی، علیه‌السلام، مسئولیت سنگینی بر دوش ما نهاده است لذا باید عملکرد خود را با آن حضرت مقایسه کنیم. ما باید در سراسر زندگی خود با تمام وجود با علی، علیه‌السلام، زندگی کنیم. برای اینکه در زندگی علی، علیه‌السلام، خدا در قلب، عقل و سراسر حیاتش حضور داشت. پس بیایید به سوی علی، علیه‌السلام، حرکت کنیم تا حقیقت او را دریابیم. چرا که حضرت علی، علیه‌السلام، در تاریخ محدود نمی‌شود.

باورقی

- [۱] سوره فتح (۴۸)، آیه ۲۹.
- [۲] سوره مائده (۵)، آیه ۶۷.
- [۳] سوره کهف (۱۸)، آیه ۲۹.
- [۴] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۳۳، باب ۲۰، ص ۲۶۶، ح ۵۳۴.
- [۵] سوره مائده (۵)، آیه ۳.
- [۶] مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۲۸، ب ۴، ص ۲۲۰، ح ۹.
- [۷] سوره حشر (۵۹)، آیه ۷.
- [۸] نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه سوم.
- [۹] نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه سوم.]
- [۱۰] نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه سوم.
- [۱۱] نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه سوم.
- [۱۲] مجلسی، محمدباقر، همان، ج ۱۰، ب ۸، ص ۱۲۰، ح ۱.
- [۱۳] همان، ج ۱۰، ب ۲۶، ص ۲۲۶، ح ۱۲.
- [۱۴] همان، ج ۲، ب ۲۹، ص ۲۲۶، ح ۳.
- [۱۵] سوره احزاب (۳۳)، آیه ۳۳.

[۱۶] سوره مائده (۵)، آیه ۵۵.

[۱۷] سوره بقره (۲)، آیه ۲۰۷.

[۱۸] نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۳.

[۱۹] سوره قصص (۲۸)، آیه ۸۳.

[۲۰] همان، آیه ۱۸.

[۲۱] همان، آیه ۱۸.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
 و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
 ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
 ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمی، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
 ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶
 وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۰۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰ IR۹۰-۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام:- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است.»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند

آزاد کردن بنده دارد.»



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

